

بررسی و تحلیل شعر رضوی معاصر هرمزگان

سهراب سعیدی*

محبوبه اسماعیلی**

چکیده

سیمای هشتمین اختر آسمان امامت و ولایت، حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) را در ایام ولادت و شهادت در آئینه‌ی ادبیات منظوم هرمزگان نیز جلوه گر شده است طبق اسنادی که در دست است شاعران هرمزگانی از ۳۰۰ سال پیش در مرثیت حضرت امام رضا(ع) و دیگر امامان و بزرگان دین به صورت تخصصی نوحه و عزا سروده‌اند. در طول تاریخ شاعران بسیاری سعی در ارائه‌ی فضایل و مناقب این شخصیت الهی داشته‌اند و ضمن بیان ویژگی‌های ظاهری و معنوی ایشان در قالب شعر، به نحوی مظلومیت و حقانیت امام رضا(ع) را منعکس کرده‌اند. یکی از موهبت‌های بزرگ برای ایرانیان، وجود مرقد تابناک حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در مشهد مقدس می‌باشد این موهبت استثنایی و منحصر به فرد و این حضور در جای جای زندگی ایرانیان خود را نشان داده است. عشق و اعتقاد به حضرت امام رضا(ع) در همه‌ی قشرهای مختلف مردم ریشه دوانیده است و آنها با این عشق و اعتقاد ر وزگاران سخت و دشوار و طولانی را سپری کرده‌اند. این مقاله با روش تحلیل محتوا و با ابزار کتابخانه به بررسی جایگاه شعر رضوی در استان هرمزگان می‌پردازد.

کلید واژه: شاعران، شعر معاصر هرمزگان، امام رضا(ع)

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه و دبیر آموزش و پرورش میناب

sohrab_minab@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش میناب

mahboobeh_e2000@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۵



۱- مقدمه

شخصیت والای ثامن‌الائمه(ع)، بی‌شک هر صاحب ذوقی را به تلاش و تکاپو برای خلق آثار ارزنده‌ی ادبی و می‌دارد. این شکوفایی استعدادها و تولیدات ادبی، تنها به دوره‌های اخیر محدود نمی‌گردد، بلکه پیشینه‌ی تاریخی آن مربوط است به همان آغاز یعنی عصر امام رضا(ع) می‌باشد، به عبارتی دیگر «شعر ابزاری می‌شود جهت دفاع از حقانیت امامت و ولایت آن حضرت. سنایی غزنوی بی‌تردید یکی از دوستاناران صدیق آل علی(ع) و خاندان پیامبر(ص) بوده است، سنایی را در ردیف رجال بزرگ و شاعران شیعه قرار داده است» (صفا، ۱۳۶۳:۵۵۹). در ادب فارسی، حکیم سنایی غزنوی، دیوان اشعارش را مزین به قدیمی‌ترین قصیده در مدح شمس‌الشموس خطه‌ی طوس نموده است و نخستین چکامه در مدح علی‌بن موسی‌الرضا(ع) را از آن خود کرده که ظاهراً پیش از وی کسی در مقام مدح ایشان برنیاوده است. وی مدیحه‌ای استوار در نعت امام هشتم و با مطلع زیر سروده است:

دین را حرمی است در خراسان دشوار تو را به محشر آسان
(سنایی، ۱۳۸۰:۲۵)

افضل‌الدین بدیل خاقانی، شاعر نام‌آور قرن ششم هجری، دو قصیده در مدح حضرت امام رضا(ع) سروده و در یکی از قصاید اشتیاق سفر خراسان انگیزه‌ای در درون او پدید آورده و آن زمانی بود که حکومت خوارزمشاهیان در اوج خود بود و بازار شعر و شاعری در آن ناحیت سخت رونق داشت:

چه سبب سوی خراسان شدنم نگذراند عندلیم به گلستان شدنم نگذارند
(خاقانی، ۱۳۶۸:۱۵۴)

خاقانی در قصیده‌ی دیگر در اشتیاق رسیدن به خراسان و زیارت روضه‌ی معصوم رضا(ع) این گونه می‌سراید:

به خراسان شوم ان شاءالله آن ره آسان شوم ان شاءالله
سید ذوالفقار شروانی یکی دیگر از شاعران قرن هفتم است که بخش یکی از ترکیب‌بندهای وی در ستایش حضرت امام رضا(ع) است:



ای ز خاک آستانت قدسیان را آبروی و ز نسیم روضه ات دارالجنان را رنگ و بوی
(مشکو، زمستان ۱۳۶۴، ش ۹، ص ۱۵۷).

عبدالرحمن جامی، شاعر و نویسنده قرن نهم هجری است. قصیده‌ای در مدح حضرت رضا(ع) سروده که چند بیت آن را به عنوان شاهد مثال می‌آوریم:

سلام علی آل طه و یاسین سلام علی آل خیر النیین
سلام علی روضه حل فیها امام یباهی به الملک و الدین
علی بن موسی الرضا کز خایش رضا شد لقب چون رضا بودش آئین
(احمدی بیرجندی و نقوی زاده، ۱۳۶۵:۴۹).

شمس‌الدین محمد بافقی (وحشی بافقی) شاعر نازک‌دل و پراحساس سده‌ی دهم هجری نیز قصیده‌ای در ستایش امام هشتم سروده است:

تا شنید از باد پیغام وصال یار گل بر هوا می‌افکند از خرمی دستار گل
گر نمی‌آید ز طواف روضه‌ی آل رسول چیست مهر آن آورده است بر طومار گل
نخل باغ دین علی موسی جعفر که هست باغ قدر و رفعتش را ثابت و سیار گل
(وحشی بافقی، ۱۳۸۰: ۴۸۴)

ملا محمد رفیع ملقب به رفیع‌الدین و متخلص به واعظ، اشعاری در ستایش حضرت علی بن موسی الرضا(ع) سروده است. وی در قصیده‌ای با مطلع زیر چنین می‌گوید:

یارب به فضل خویش گناهان ما ببخش از تست جمله بخشش و از ما خطا ببخش
(واعظ، ۱۳۵۹: ۲۶۹)

محمد علی حزین لاهیجی، در سه قصیده به ستایش هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت پرداخته است:

خوش آن دل که به یاد تو رشک چمن شود زلفت سمن، بهار خطت یاسمن شود
ریزم ز بس به یاد عقیق لب‌ت سرشک دامن ز کاوش مژه کنان یمن شود
(حزین، ۱۳۵۰: ۲۶۵).



مهدی اخوان ثالث شاعر معاصر نیز شعر زیر را در قالب غزل در مدح حضرت امام رضا(ع) سروده است:

بعد چل سال که ری داشت چو محبوس مرا می کشد عشق دگر باره سوی توس مرا
و قیصر امین پور شاعر انقلاب اسلامی، در شعر زیر عظمت و بزرگی امام رضا(ع) را به نظم در آورده است:

چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند موج‌های پریشان تو را می‌شناسند
(امین پور، ۱۳۸۸: ۹۷).

علیرضا قزوه، شاعر و نویسنده‌ی معاصر، دو غزل در مدح امام غریب سروده است که یک نمونه اینجا ذکر می‌شود:

برگشته‌ام امشب به خود از راه نشابور شیرین دلکم یک دو دهن شور بخوان شور
(قزوه، ۱۳۸۸: ۴۵)

سیدعلی موسوی گرمارودی، در شعر زیر به منقبت حضرت رضا(ع) پرداخته است:

«درود بر تو ای هشتمین سپیده / اگر از سایه ساران درود می‌پذیری / باران نیز به ازای تو پاک نیست / و بر ما درود - اگر فاصله خویشتن تا تو را، تنها بتوانیم دید - / ای آفتاب! ما آن سوی ذره مانده‌ایم / من آن پرنده مهاجر که هزار سال پریده است / اما هنوز سوار گنبدت پیدا نیست / آوخ که بال کبوتران حرمت / از چه تیرهای زهر آگین خسته است / شکسته است / ای عرش ای خون هشتم / نیرویی دیگر در پرم نه / که ما را هزار سال / نه ره توش‌های بر پشت بود و نه شمشیری در دست / و مگر در سینه عشق می‌افروخت».

در ادبیات فارسی چه در قرون گذشته و چه در دوره معاصر شاعران طراز اول زیادی بوده اند که شخصیت و خصوصیات والای حضرت امام رضا (ع) و همچنین ارادت خود را به این امام بزرگوار ابراز داشته اند. این مقاله شعر شاعران معاصر هرمزگان را در مورد امام رضا (ع) را بررسی می‌کند.



بیان مسأله

ادبیات فارسی از ابتدا تاکنون مطابق اسناد و مدارکی که ثبت و ضبط شده در مدیحه‌سرایی و مصیبت‌سرایی اهل بیت پیامبر و سایر اشعار بسیار غنی و پر بار بوده است و اکثر قریب به اتفاق شعرا و نویسندگان کوشیده‌اند تا با هم در آمیختن عواطف و احساسات خود به مدح و منقبت خاندان نبوی، آثار ارزشمندی را به ساحت مقدس ائمه‌ی اطهار تقدیم نمایند؛ بنابر این می‌توانیم ادعا کنیم که عشق و محبت به خاندان پیامبر در ادبیات ما پیشینه‌ای بسیار کهن دارد و چون این الفاظ از ژرفای درون و باطن انسان‌های عاشق بر خواسته بر روح و روان خواننده تأثیری ژرف می‌گذارد. شعر شاعران هرمزگان در سه بخش سپید، کلاسیک و محلی گویای این امر است.

ضرورت تحقیق

از آنجا که شاعران رضوی حداقل یکبار به مشهد الرضا (ع) و یا بارها از طریق تلویزیون دل را روانه این حریم کرده‌اند، همین ارتباط عینی و ملموس با امام رضا (ع) سبب شده تا شاعران کلک خیال انگیز خود را مزین به نام امام هشتم کنند، که شاعران هرمزگان نیز از این موضوع غافل نبوده‌اند از اینرو پرداختن به اشعار شاعران رضوی هرمزگان و معرفی آنان در جهت غنا بخشیدن به شعر رضوی ضرورت دارد.

پیشینه تحقیق

شخصیت والای ثامن‌الائمه (ع)، بی‌شک هر صاحب ذوقی را به تلاش و تکاپو برای خلق آثار ارزنده‌ی ادبی و می‌دارد. این خصیصه در شعر ایران، تنها به دوره‌های اخیر محدود نمی‌گردد؛ بلکه پیشینه‌ی تاریخی آن مربوط است به همان آغاز یعنی عصر امام رضا (ع) است. از جمله شاعران ادب فارسی که به طور آگاهانه، شخصیت آسمانی امام رضا (ع) را در اشعار خود منعکس کرده‌اند. در استان هرمزگان در سال ۱۳۹۶ کتابی در خصوص جمع‌آوری شعر شاعران هرمزگان با موضوع امام رضا (ع) در انتشارات دارالتفسیر قم توسط سهراب سعیدی چاپ شده که کتاب شامل چند بخش است، بخش نوحه در مورد امام رضا که قدمت آن به ۳۰۰ سال می‌رسد بخش



تعزیه خوانی امام رضا (ع) که قدمت آن به ۲۰۰ سال می‌رسد و بخش سوم شعر معاصر هرمزگان در سه بخش کلاسیک، سپید و محلی است که شاعران ارادت خود را به حضرت امام رضا (ع) بیان داشته‌اند. اما با موضوع این مقاله تا به حال مطلبی چاپ نشده و این مقاله آغازگر این راه است.

۲- بحث اصلی

استان هرمزگان شاعرانی دارد که برخی استانی‌اند و بعضی فرا استانی هستند البته در این استان بزرگانی فرا ملی نیز یافت می‌شوند که محمدعلی بهمنی در این جایگاه قرار دارند. با راه‌اندازی انجمن‌های شعر در سال‌های ۶۰ به بعد تحولی در شعر شاعران استان هرمزگان به وجود آمد. همچنین بعد از روندهای رشد پیشین در سال ۷۷ برگزاری کنگره شعر جوان تحولی در شعر استان محسوب می‌شود و شعر استان هرمزگان به جامعه شعری کشور بیش از پیش معرفی شد. «و در میان این شاعران طبقه بندی‌هایی انجام شد که غزل‌سراها، نو پردازها و طنزپردازها ظهور کردند و بر رونق شعری این استان افزودند. به طوری که با راه‌اندازی صفحه‌ای در ندای هرمزگان به نام «تنفسی در هوای شعر» گام بزرگی در زمینه رشد شعری این استان برداشته شد» (افاضل، ۱۳۸۹: ۲۴). در این میان جایگاه استاد محمدعلی بهمنی در شعر استان هرمزگان بی‌تأثیر نبوده است. او به عنوان یکی از سرامدان غزل کشور در هرمزگان الگوی شعری بسیاری از نسل‌های بعد از خود بوده است و بی‌تردید یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های غزل در دو دهه‌ی گذشته ایشان است.

۲-۱- بخش کلاسیک

آوازه بخش کلاسیک شعر هرمزگان با استاد محمدعلی بهمنی شکل می‌گیرد ایشان که در مورد امام رضا (ع) نیز شعر سروده‌اند، تأثیر بسیاری بر شاعران بعد از خود داشته‌اند. علی‌آموخته نژاد می‌نویسند: «و بسیاری از جوانان رشد شعری خود را مدیون ایشان هستند. شاعرانی که بسیاری از آنها که در مسابقات کشوری حایز مقام‌های کشوری شده‌اند دست آموز استاد بهمنی‌اند جوانانی امثال: مسلم محبی، اردشیر شریفی، جواد ضمیری، امینه دریانورد، محبوبه اسماعیلی، سپیده



مختاری، بلقیس بهزادی، سولماز سبزی، اعظم پشت مشهدی، فریبرز و فهیمه نظری و... که اینها با تأثیرپذیری از استاد بهمنی درنسل‌های بعد از خود نیز تأثیر مثبتی به جای گذاشته‌اند» (kanoonehonar.com)

«در هیچ دوره‌ای از شعر هرمزگان نمی‌توان تأثیر استاد بهمنی را نادیده گرفت. استادی که با وجود اینکه زادگاهش به خوزستان و گرمای آن پیوند می‌خورد. اما حضور سالیانش در کنار دریا و موج، معنای دیگری به شعر هرمزگان بخشیده است و امروزه هرمزگان با نام استاد بهمنی، این شاعر ملی خود پیوند خورده است و جوانان بسیاری در زمینه رشد شعری خود وامدار نفس‌های گرم و نیمایی استادند» (افاضل؛ ۱۳۸۸:۴).

«هرمزگان اما در سال‌های نه چندان دور شاعران بزرگی را صرف نظر از میزان شدت تأثیرشان در شعر استان و کشور به ادبیات هدیه کرده بود. دهه شصت، هرمزگان نیز همانند بسیاری از دیگر نقاط ایران به دلیل نیاز تاریخی و وضعیت خاص فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جریان دفاع هشت ساله، قرین شعرهای موضوعی بود. نیمه‌ی دوم دهه‌ی شصت اما نوید دهنده‌ی افقی روشن در هرمزگان و خاصه در ایران است. در هرمزگان چهره‌های حتی میانسال فضای شعر، هر روز با جهان تازه تری آشنا می‌شدند» (ضمیری؛ ۱۳۸۸: بی‌ص). اینک به بررسی اشعار شاعران هرمزگان با موضوع امام رضا (ع) می‌پردازیم؛ غزلی از استاد محمد علی بهمنی در وصف امام رضا (ع):

شرمندم ام که همّت آهو نداشتم شصت و سه سال راه به این سو نداشتم
محمد علی بهمنی از شاعران سرشناس و استاد در کشور، در غزلی زیبا اقرار می‌کند که شصت و سه سال گذشت تا خواننده یا نخواننده به پابوس حضرت امام رضا (ع) برود و از این دیدار غزلی بسیار زیبا و صمیمی ساخته که درد دل همه‌ی ما شیعیان است. بهمنی درد دلش را به صورت سوال بیان داشته‌اند:

خواننده یا نخواننده به پابوس آمدم دیگر سوال دیگری از او نداشتم
(بهمنی، همان)

عبدالحسین انصاری از شاعران کلاسیک سرای دیگری است که چند شعر در توصیف حضرت امام رضا (ع) داشته که به مطلع آن غزل‌ها اشاره می‌رود:



در هوای کویت احوال کبوتر خوب شد نام تو هر بار آمد، حال مادر خوب شد
در شعر عبدالحمید انصاری هر گاه اسم حضرت رضا (ع) می آید حال همه خوب می شود از کبوتر
گرفته، تا مادران و خود شاعر و در واقع شنیدن اسم امام رضا (ع) نیز سبب آرامش و مایه مرهم
است و مرقد آن امام دارالشفای عاشقان است. انصاری در غزلی دیگر، دیوانه وار به پابوس
حضرت رضا (ع) می رود و از طعنه و حرف و حدیث های مردم زمانه هیچ باکی ندارد:

می آید از سمت خراب آباد بی رخت و پخت و ساک دیوانه
هر شب میان صحن گوهر شاد سر می نهد بر خاک دیوانه
(عبدالحمید انصاری)

محمد اسماعیلی (موسی)، از شاعران پیشکسوت بندرعباسی است که صاحب دو کتاب با عناوین
«ماه پنهان شده ام» و «یچکو ویست» است. ایشان نیز در ارادت به حضرت امام رضا (ع) سروده
است:

گیتی منور است ز لطف و صفای تو دنیا پر از صفاست ز نام رضای تو
(اسماعیلی، ۱۳۹۸:۱۵).

در شعر محمد اسماعیلی، لطف و صفای حضرت امام رضا (ع) موج می زند، شاعر معتقد است که
امام رضا (ع) امید همه مردم است و کسی حق ندارد ایشان را غریب حساب کند. در شعر شاعران
هرمزگان امام رضا (ع) غریب نیست و همواره مردم از چشمه سار مهر و معرفت آن حضرت بهره
می برند.

ایرج انصاری فرد، از شاعران دیگری است که سال ها در بندرعباس زندگی می کند و فضای شعر
هرمزگان را خوب می شناسد؛ ایشان نیز در اشعاری گوناگون ارادت خود را به حضرت امام رضا
(ع) بیان داشته اند:

با شوق آمدم که به قولم عمل کنم آشفته دل، کنار تو طرح غزل کنم
(ایرج انصاری فرد)



ایرج انصاری در اشعارش از آن امام رئوف می‌خواهد که دستش را بگیرد. ایشان نیز شوق زیارت آن حضرت دارد. انصاری فرد، غزلی دیگر نیز، با موضوع حضرت امام رضا (ع) دارند که مطلع آن را ذکر می‌کنیم:

پیغام داده یار که وقت زیارت است از پای تا سرم هیجان و حرارت است
(ایرج انصاری فرد)

زهر اسپید از شاعران خوب و شناخته شده بندرعباسی است که اشعاری در این خصوص دارد، ایشان در توصیف امام رضا (ع)، آن حضرت را سراسر نور و از خوشه یاس و ترنم می‌داند: تو همان رمز نشسته به الف، لام و میم زندگی بخش تر از آبی و خورشید و نسیم
(زهر اسپید).

و در غزلی دیگر، به تلمیح آهو اشاره دارد و هم اینکه به وقت گفت گو با آن حضرت جوابش را از آن امام مهربان می‌شنود:

ظرف‌ها را دوباره پر کردی کاش من هم شراب بردارم
تا از آن‌ها که می‌دهی به همه سهم خود را خراب بردارم
محمود نارویی از شاعران دیگری است که ارادتش را در اشعارش نسبت به حضرت امام رضا (ع) بیان داشته است، ایشان، حضرت امام رضا (ع) را هشتمین حادثه خوب زمین می‌داند، مطلعی از غزل ایشان:

با تو خوبست دلم کاش که بهتر باشم از خودم پر بکشم یک من دیگر باشم
(محمود نارویی)

نارویی در قالب غزل، دوبیتی، رباعی، قطعه، ترانه و... شعر دارد و بیشترین شعر راجع به امام رضا (ع) را در بین شاعران هرمزگان سروده است. ایشان در اشعارش به آهو و نمادهای دیگر شعر رضوی اشاره دارد. اشعارش صحبت و درد دل زیبایی با امام هشتم است.

یعقوب یزدان پناه از شاعران موفق مینابی است که اشعارشان از صمیم قلب و نشان از اردات خالص ایشان به وجود مقدس حضرت علی بن موسی الرضا است:



روی بام شهر من چاووش کبوتر می‌شود حال من با دانه هایت زود بهتر می‌شود
(یعقوب یزدان پناه)
در شعر یزدان پناه نیز، آهو نقش پر رنگی دارد همین طور ایشان به شفا دادن بیماران اشاره رفته است.

مریم انصاری، نیز ارادتشان را در چند غزل تقدیم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) کرده‌اند:
حرم ات شاهراه شعر و شهود گنبدت شاه بیست زرینی
دست‌های مرا بگیر و بیر در صف شاعران آئینی
مریم انصاری، خود از حضرت رضا (ع) مدد می‌خواهد که دستش را بگیرد و ایشان را در صف شاعران آئینی قرار دهد. ایشان نیز درد و بغض هایش را با حضرت رضا (ع) در میان می‌گذارد.
سکینه شاعری از شاعران معلم و مخلص به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در میناب است که ارادت خود را لسانی و در عمل، به اثبات رسانده است، ایشان چند غزل در وصف امام مهربانی‌ها دارند:

رو به سوی حرمت بال زنان می‌آیم زخمی از ضربه ایام کشان می‌آیم
شاعری برای رهایی از غصه‌ها با شوق و اشتیاق به پابوس حضرت رضا (ع) می‌رود تا با آن حضرت درد دل کنند از این رو، در غزلی دیگر، دوباره عزم سفر و هوای توس دارند:
دوباره عزم سفر دارم و هوای توس که می‌شوند این دو بهانه پابوس
رضا که موجب شوکت، امیر مردانی شدی تو ضامن آهو، شه خراسانی...
(سکینه شاعری)

مهدی ناصریان از شاعران دیگری است که سال‌هاست با انجمن‌های شعر بندرعباس ارتباط دارند و شاعران هرمزگان اشعارش را می‌پسندند، ایشان نیز چندین غزل در توصیف امام هشتم دارند؛ مطلع غزلی در این خصوص را ذکر می‌کنیم:

نمک آورده خادم‌ت بزند هی به زخمی که بی‌دوا مانده؟!
یا نمک گیر سفره‌ات بکند کودکی را که بی‌غذا مانده؟!
و در مطلعی دیگر:



تا عشق می تراود از این چلچراغ‌ها
از سینه محو می شود آثار داغ‌ها
و در شعری دیگر:

حرم همیشه پر از عود و اسفند است
دل‌م به کنگره‌های ضریح‌تان بند است
(مهدی نصریان)

در شعر مهدی نصریان، صحن‌های حرم با صفاست، نوای نقاره‌ها زیباست، کبوتران حرم حال
خوش دارند، از حرم بوی بهشت می آید.

خاتون شعر بندرعباس، خاتون رئیسی، از شاعرانی است که در دفاع مقدس و اشعار آئینی قلم زده
است:

نگذارید این عشق زما بر گردد
همه عشق علی از دل ما بر گردد
(خاتون رئیسی)

و مطلع غزلی دیگر:

قدم به نام تو خورشید می زند فردا
شقایق دلمان جامه می کند فردا
(همان)

خدایچه مهدی حسینی، از شاعران مینایی دیگری است که در قالب رباعی و غزل، ارادتشان را به
حضرت امام رضا (ع) بیان داشته اند، در شعر ایشان حرم امام رضا (ع) دار الشفاست، شاعر دوست
دارد کبوتر حرم و گاهی آهو باشد، پنجره فولاد در اشعارش زیبا نشسته، صدای نقاره‌ها گوش نواز
است:

بر درد دو عالم تو شفایی تو شفا
سر چشمه‌ی عشقی و سخایی به خدا
و در کاری دیگر:

تو قبله گه هشتم عشقی به خراسان
تو پادشه ملک جهان چشمه ایمان
(خدایچه مهدی حسینی).

زینب اله پرست از شاعران معلم بندرعباس است که در چند غزل ارادت خویش را به حضرت امام
رضا (ع) ابراز داشته است:

به کوی خاطره رفتم، دل‌م هوایی بود
به حس و حال وجودم چه کودتایی بود



و در غزلی دیگر:

مهمان شده بغضی وسط قاب دلم سنگینی آن برده همه تاب دلم

در مطلعی دیگر:

زائر نوری شدم، با دست خود پیدم طلا غرق در آن روشنی، من نیز تاییدم طلا

و در شعر دیگر:

دل گرفت و سمت دلجویی شدم عشق در سر، با دلم سویی شدم

(زینب اله پرست)

زینب اله پرست در اشعارش به کبوتران حرم، گلدسته‌ها، پنجره فولاد، صدای نقاره، مناجات بی ریای شاعر، سقاخانه، آهو، دانه‌های گندم و درد دل شاعر پرداخته است.

رضا انصاری فرد از شاعران دیگر بندرعباسی است که اشعار رضوی دارد:

دل می‌طلبید دوباره مشهد باشم با شوق تو رهسپار مشهد باشم

(رضا انصاری فرد)

و در کاری دیگر:

آقا فقط به سوی شما رو کنم خوش است من در حرم که رایحه تان بو کنم خوش است

در شعر انصاری فرد هم به نقاره، گنبد، حرم، ضامن آهو، ضریح و بارگاه حضرت رضا (ع) اشاره شده است.

شیوا شاکری نیز که در انجمن‌ها و محافل شعری هرمزگان حضوری فعال دارد با موضع رضوی شعر دارند:

دلم که می‌گیرده کاش دلم مثل کبوتر بشه حتی اگر مقصدش بی بال و بی پر بشه

علی شهمرادی از شاعران معلم در بخش سندرک میناب است که در خصوص حضرت امام رضا (ع) شعر سروده‌اند:

امشب این دل در کنارت دلشده و بی حد است

خوش به حال دل که درمانش شهر مشهد است

(علی شهمرادی).



۲-۲- بخش سپید

«هرمزگان حرکت جریان شعری خود را متأثر از اغلب نقاط کشور در اواخر دهه‌ی سی آغاز کرده که با درخشش چهره‌های تأثیر گذارش در دهه‌ی چهل (ابراهیم منصفی، حسن کرمی، مسعود فرح، حسن زرهی و محمد حسن جمشیدی) به دوره‌ی میانی شعر خود رسید. دوره‌ای که متأثر از فضای ملتهب سیاسی آن سال‌ها حرکتی گُند و کم تأثیر را با خود همراه داشت. حرکت و خیز بلند شعرهرمزگان به اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد بر می‌گردد دوره‌ای که می‌توان عنوان درخشان‌ترین دوره‌ی شعری این منطقه را به خود اختصاص دهد. ظهور چهره‌های جوان، اقبال به سمت نوآوری‌های رایج در شعر آن روزها، نشر آثار شاعران این دوره در نشریات ادبی، انتشارچندین مجموعه شعر در فاصله سال‌های میانی دهه‌ی هفتاد و اواخر این دوره را متمایز از سایر ادوار شعرهرمزگان کرد. سعید آرمات، موسی بندری و علی آموخته‌نژاد که از چهره‌های تأثیرگذار شعر دهه ایران از آنها نام برده می‌شود. با ظهور چهره‌هایی مانند: محمد ذوالفقاری، ساجده کشمیری، ابراهیم آرمات، یعقوب سهو زاده، بدریه حسن‌پوری، امین امیری، طیبه شنبه زاده و... نوید روزهای بهتری برای شعر این سامان داد» (افاضل، همان، ۸).

هرمزگان به جهت شاخص بودن این دوره از جریان شعری در میان دوره‌های نزدیکش، بدون شک با آسیب‌های جدی تری مواجه شد. سکوت، انحراف و حرکت‌های وارونه بدون شک پیامد همین آسیب در سال‌های اخیر شعر این منطقه است سال‌هایی که بر خلاف سال‌های اوایل و میانی دهه‌ی هفتاد دیگر آن جنب و جوش گذشته را ندارد تعدادی از چهره‌های تأثیرگذار آن روزها یا راه سکوت را در پیش گرفته‌اند یا حرکت معکوس آنها را شاهدیم.

اشعار شاعران سپید سرای هرمزگان در ستایش حضرت امام رضا(ع):

غلام امینی دمشهری در اشعار سپید خود در مورد حضرت امام رضا می‌سرایند: «در مشهد چشمان تو/ من گم شده‌ام/ بلند گوه‌های شهر تو را صدا می‌زنند» (امینی، ۱۳۹۳:۴۶) و در شعری دیگر «باید به تکیه بروم/ تکیه بدهم به درخت انگورت/ انگورهای چشم تو خوردنی ست/ این روزها همه دهان‌ها سمی شده‌اند/ و مادرم هر روز کاغذهای سمی را به خانه می‌آورد/ شاید برادرم... / انگورهای چشم خورده/ برادرم شفا پیدا می‌کند» (امینی، همان) غلام امینی در کاری دیگر: «هر وقت



عشق / از لوله تفنگک ها شلیک شود / یک نفر به جمعیت آهوها اضافه خواهد شد» (غلام امینی دومشهری- میناب). غلام امین در اشعر رضوی اش به انگور سمی، شفای بیماران و ضامن آهو بودن آن حضرت اشاره می کند.

سهراب سعیدی، در دو کار ارادت خود را به حضرت امام رضا (ع) بیان می دارد: «در چاووش مٔلا / روستا برای رفتنم صف می کشد / پیرزنان شوق دیدارت را / با گوشه چادر پاک می کنند / پیرمردان اما / هوای حرمت را که می کنند / عطر مشهد می زنند» (سعیدی، ۱۳۹۸: ۵۶). سعیدی در کاری دیگر و در قالب سه گانی می نویسد: «چاووش خوان / مرداد را گرم می کند / مهر تو کاروان را گرفته است» (همان، ۵۷). در شعر سعیدی، شوق و آرزوی زائران جهت سفر به مشهد و زیارت بارگاه آن حضرت پوشش داده شده است. بایسته ذکر است سعیدی در قالب سه گانی که از متفرعات و مخترعات دوره معاصر کشور است فعالیت دارند.

صدیقه سرتک زاده، شاعر سیریک، ارادت خویش را به حضرت امام رضا (ع)، اینگونه بیان می دارند: «خورشید هشتم من / با نوشیدن اکسیر شهادت / تا رستاخیز / در آغوش ابرهای طلایی / زنده مخفی شده است؛ / من برای دیدنش ابرهای سیاه و سفید را کنار می زنم / و برای این که او را در کنارم احساس کنم / می گویم: / خورشید هشتمم / دوست دارم؛ / دوست داشتن / خورشیدی بهشتی / بی گناه حاضر و ناظر / که هیچ وقت غروب نمی کند / به که چه باشکوه است؛ / و چه بی حساب آرامش بخش است!» (صدیقه سرتک زاده- شهرستان سیریک).

در شعر سرتک زاده خورشید هشتم هیچ گاه غروب نمی کند.

سلمان رخشان از شاعران صاحب سبک و کتاب در میناب است که با موضوع امام رضا (ع) نیز شعر دارند: «فهمیدم چرا / حرمت سمت چپ سرزمین ماست / می شه گفت / قلب ایرانی / خونمان، با وجودت در جریان وجودمان، زندگیمان / با تو گره خورده / اما در تعجبم / چرا این روزها بیرون صحن / پدری در بساطش / قاب عکسی است / از آهوی زخمی / در کنارش عروسک های خیمه شب بازیست ... / به گمانم بعضی از ما / ضمانت را در نظر نداریم / یا نکند از ما دلگیری / نمی دانم چرا اطراف حرمت / گندمی برای کبوترها نیست / ما با خود چه کردیم امام رضا (ع) / این جا در صف منتظران / هزار نفر شفا گرفتند / و من هنوز آخرین نفرم / مانده ام / مثل آهویی زخمی که تنها



ذکر تورو فریاد میزنه... / (سلمان رخشان - میناب). رخشان نیز به نمادهای شعر رضوی اشاره داشته اند، گندم و کبوتران، آهوایی زخمی، صفوف منتظران و...
اعظم زامیان از شاعران سپید سرای میناب نیز اشعاری در خصوص حضرت امام رضا (ع) و شعر زامیان که درد دل دختری است با حضرت رضا (ع): «حسرت می خورم / روزهایی که کبوترها سعادت مند شده اند / پروانه وار چرخ می زنند دور سرت / و من اینجا دلتنگ تر از دلتنگ / نم می زند چشم هایم / به یک نگاه تو... / قانع ترین آدم زمینم، / وقتی خواب حرمت، این تشنه را سیراب می کند / نام من گرچه جای گرفته در لیست سیاه / اما، دلخوش به آبروداری توأم / شنیده ام پشیمان ها را خریداری / پاتوق کرده اند کنج حرم / دیگر شانهای سنگینی نمی کند / وقتی وصال یافته اند چشم ها / به گنبد خورشید نشان وسط آسمان / رویای دیشب چه رؤیایی بود / من و یک قلب شکسته در دست / کنار صورت بارانی ام، / آهو شده بودم به ضمانت / بیدار که می شوم، تمام وجودم حاضر / اما، دلم نیست... / رویایم صادق بود وقتی، یادم آمد / دلم را دخیل بسته بودم به پنجره فولاد / می دانم؛ / دل بیابان زده ام را / فقط تو آباد می کنی... / (اعظم زامیان - میناب).

۲-۳- اشعار محلی

عبدالحمید انصاری نسب یکی از شاعران معلم و با اخلاق در حوزه شعر کلاسیک و سپید هرمزگان است، ایشان در توصیف امام رضا (ع) با گویش محلی شعری دارند:

bazi vaxto me deraxtom	بعضی وختوم در ختم
bazi vaxto ham paranda	بعضی وختو هم پرنده
gāhi yak ?āhovye xasta	گاهی یک آهووی خسته
gāhi yak gorge daranda	گاهی یک گرگ درنده
me be pābōse to hondam	م به پابوس تو هُندَم
ke badi xo dur bedardom	که بدی خو دور بگردم
mese yak kaftare ?āšek	مِث یک کفتر عاشق
dure gonbadet beggardom	دور گنبدت بگردم



?āyā hondom ke begam me
dast ?a dāmane to nāsam
?aga zāmenom nabi to
me ?a mašhad to nāram
me delom šavā ke gāhi
toye sahne to bešom gom
yā golāb vāgerom ?āyā
rouye zāeret bepāšom
me delom ?eygoftern ?āyā
gom bodom dore zaribet
?adōnom ?ati to xovom
to bā labxande malihet
hālā to sahnat deraxtom
to ravāke to parandam
yā ?emām rezā ?agam ke
nome to barge barandam

(عبدالحمید انصاری نسب - بندرعباس)

ترجمانی شعر: بعضی وقت‌ها درخت هستم، بعضی وقت‌ها پرنده و گاهی اوقات هم یک آهوی خسته، گاهی گرگ درنده هستم. من به پابوس تو آمده‌ام که تمام بدی‌ها را از خودم دور بریزم. مانند کبوتر عاشقی دور گنبد طلائی‌ات می‌گردم. آقا من آمده‌ام تا بگویم هیچ وقت دست از تو برنمی‌دارم و اگر تو ضامنم نباشی از مشهدت نمی‌روم. گاهی دلم می‌خواهد تا در صحن حرمت گم بشوم و یا اینکه گلاب بردارم و به روی زائرانت بپاشم. ولی دلم می‌گوید که دور ضریحت گم بشوم می‌دانم با لبخند ملیحت به خواب من می‌آیی. حالا من مانند درختی در صحن تو هستم و مانند پرندۀ‌ای در رواق تو یا امام رضا می‌خواهم بگویم که نام تو برگ پرندۀ ماست.

آغا هُندم که بگم م
دست آدامن تو ناسم
اگه ضامنم نبی تو
م آ مشهد تو نارم
م دلم شوا که گاهی
توی صحن تو بشم گم
یا گلاب واگرم آغا
روی زائرَت بپاشم
م دلم ایگفتن آغا
گم بودم دور ضریحت
آذوئم آتی تو، خووم
تو با لبخند ملیحت
حالا تو صحن درختم
تو رواق تو پرندۀ م
یا امام رضا آگم که
نوم تون برگ پرندۀ م



یعقوب یزدان پناه از شاعران خوب و بی ادعای میناب است که در بخش کلاسیک و اشعار محلی قابلیت‌های ویژه‌ای دارند. ایشان در چند غزل و اشعار محلی ارادت خویش را به حضرت امام رضا (ع) بیان داشته‌اند. از اشعار محلی اوست:

یک دو سالن دل مه بهوای یارن

yak do sālen deleme be havāye yāren

bega kāsed bebaren

بگه قاصد بېرن

هوو سقا خونه از دور اتوارن

hove sakā xone e dur ?az dur ?atovāren

bega kāsed bebaren

بگه قاصد بېرن

دم در هم خوش ابو وقته بفهمم همه جان

dame dar ham xoš ?abu vakte befahmem hama jān

love nakāravoni vāme me najāren

لو و تقارونی وا مه نجارن

bega kāsed bebaren

بگه قاصد بېرن

بگه از سمت جنوب از طرف خور تیو

bega ?az samte jonob ?az tarafe xor tiyov

roye mojen yanafar bi kas-o- kāren

روی موجن ینفر بی کس و کارن

bega kāsed bebaren

بگه قاصد بېرن

یک زمونی بغل پنجره فولاد امروم

yak zmoni bayale panjare folād ?amerom

kalbe me yatā sahneon to gāren

قلب مه لا یتا صحنون تو گارن

bega kāsed bebaren

بگه قاصد بېرن

حسرتت وا مه اموندن به مه جا هاده پیام

hasratet vā me ?amonden be me jā hāde biyām

γire eiγ zendegim ruzi taharen

غیرای زندگیم روزی تهارن

bega kāsed bebaren

بگه قاصد بېرن

(یعقوب یزدان پناه - میناب)



ترجمانی شعر: دوسالی می شود که دل من هوای یار را کرده و آب سقاخانه دارد همه را دعوت می کند پس قاصدی را بفرستید تا پیغام مرا به او برساند. حتی نقاره ها هم شروع به خواندن و دعوت کردن کرده اند، من حتی راضی هستم دم در بمانم اگر بفهمم که یار درون خانه است. حتی احساس حضور او در نزدیکی من نیز برایم کفایت پس قاصدی برایش بفرستید. به قاصد بسپارید به یار بگویند که یکنفر از سمت جنوب و در حوالی خور تیاب (یکی از خورهای معروف میناب) روی امواج و سختی های زندگی بی یار و یاور هست و او را دستگیری کن. به امام رضا (ع) بگویند: قلب عاشق تو بین یکی از صحن های شما گم شده و چیزی نمانده که بغل پنجره فولاد بمیرد. امام رضا! دعوتم کن و بین زائران خودت مرا نیز جا کن، زیرا حسرت به دل مانده ام و اگر غیر از این باشد و مرا نمی خواهی. روزهای زندگی من حتی مثل شب تاریک می شود.

مِه هوندُم عاسلم بستم تَك پَنگ ضَریح تو

که تا یَك بار بدیرُم مه کلودَنگ ضَریح تو

دو چیمومه پُرای خَرصی بده حاجت به دَردومه

که مَسْت و مَنگ و حیروئُم ای آهنگ ضَریح تو

مِه ای رودون که بآلم زَه بلند گنبدت نِشتم

گَنهکارُم بزوبی مه خو آ سَنگ ضَریح تو

مَریضُم هه به کُربونت گنیرای حاجتم واکو

آدمی آشکلن گوشه به یه رَنگ ضَریح تو

هنوزا تولکُم باری در باغ تو ووستادم

آبوتی وَاچرُم خُرما ای دَنگ دَنگ ضَریح تو؟

مه مال شهر بیکاهوم تُفَنگُم پَنگ خرمايه

مگه آماتی بیا دشمن دمی جَنگ ضَریح تو

(عباس صابری پناه - رودان)



me hondom ?asalem bastom teke pang zarihe to
 ke tā yak bār bodirom me koedang zarihe to
 do čimome por eiy xarsi bede hājat bedardome
 ke mast-o- mange-o- hironom eiy ?āhang zarihe to
 me eiy rudon ke bālom za boland gonbadet neštom
 gonah kārom boze me xo ?ā sange zarihe to
 marizom ha be korbunet keniz eiy hajatom vā kon
 ?a dami ?āškelen guše be ye range zarihe to
 hanuzā to lakom bari dar bāy to estādom
 ?abuti vāčerom xormā eiy dang dang zarihe to
 me māle šahre bikāhom tofangom pange xormāye
 maga ?āmāti biyā došman dami jange zarihe to

ترجمانی شعر: از وقتی که ضریح مقدس تو را دیده‌ام مانند زنبور عسلی هستم که روی گنبدت نشسته است دو چشمانم پر از اشک است حاجت دردم را بده که من با آهنگ ضریح تو مست و مدهوش شده‌ام من اهل شهرستان رودان هستم که از رودان بال گشودم و مانند کبوتری روی گنبدت نشستم من گنهکار هستم ولی مرا به ضریحت راه بده/ من مریض هستم به قربانت گره‌های حاجتم را باز کن به او النگوی طلایی می‌دم که هم‌رنگ ضریح تو است/ هنوز سبیدی در دست دارم و کنار باغ تو ایستاده‌ام. می‌توانم خرماي کنار ضریح مقدس تو را دانه به دانه بچینم/ من اهل شهر بیکاه رودان هستم. تفنگ من خوشه خرماست. مگر دشمن جرأت دارد به کنار ضریح تو بیاید.

۳- نتیجه‌گیری

شاعران هرمزگانی بسیاری سعی در ارائه‌ی فضایل و مناقب شخصیت الهی حضرت امام رضا (ع) داشته‌اند و ضمن بیان ویژگی‌های ظاهری و معنوی ایشان در قالب‌های شعر کلاسیک، سپید و اشعار محلی، نوحه، عزا و تعزیه، به نحوی مظلومیت و حقانیت آن امام (ع) را در اشعار خود منعکس کرده‌اند. در شعر شاعران هرمزگان هر گاه اسم حضرت رضا (ع) می‌آید حال همه خوب می‌شود از کبوتر گرفته، تا مادران و خود شاعر و در واقع شنیدن اسم امام رضا (ع) نیز سبب آرامش و مایه مرهم است و مرقد آن امام دارالشفای عاشقان است. شاعران هرمزگانی دیوانه وار به



پابوس حضرت رضا (ع) می‌روند و از طعنه و حرف و حدیث‌های مردم زمانه هیچ باکی ندارد. لطف و صفای حضرت امام رضا (ع) در شعر هرمزگان موج می‌زند، شاعران هرمزگان معتقدند که امام رضا (ع) امید همه مردم است و کسی حق ندارد ایشان را غریب حساب و خطاب کند. در شعر شاعران هرمزگان امام رضا (ع) غریب نیست و همواره مردم از چشمه سار مهر و معرفت آن حضرت بهره می‌برند. شاعران هرمزگانی در اشعارشان به آهو و نمادهای دیگر شعر رضوی اشاره دارند. برای رهایی از غصه‌ها با شوق و اشتیاق به پابوس حضرت رضا (ع) می‌روند تا با آن حضرت درد دل کنند. در اشعارشان صحن‌های حرم با صفاست، نوای نقاره‌ها زیباست، کبوتران حرم حال خوش دارند، از حرم بوی بهشت می‌آید به کبوتران حرم، گلدسته‌ها، پنجره فولاد، صدای نقاره، مناجات بی‌ریای شاعر، سقاخانه، آهو، دانه‌های گندم و درد دل شاعر با امام رضا، به انگور سمی، شفای بیماران و ضامن آهو بودن آن حضرت اشاره می‌کنند. شوق و آرزوی زائران جهت سفر به مشهد و زیارت بارگاه آن حضرت پوشش دیگری از شعر هرمزگان است.

منابع و مآخذ

الف - کتاب

- احمدی بیرجندی، احمد و نقوی‌زاده، سیدعلی، (۱۳۶۵)، مدایح رضوی (ع) در شعر فارسی. مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی.
- امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۸)، دیوان، تهران، مروارید.
- خاقانی، افضل‌الدین، (۱۳۶۸)، دیوان، دکتر ضیاء‌الدین سجادی، چ ۳، تهران، انتشارات زوآر
- سنایی غزنوی، (۱۳۸۰)، دیوان، دکتر مدرس رضوی، چ ۵، تهران، انتشارات سنایی.
- سعیدی، سهراب، (۱۳۹۶)، امام رضا در شعر شاعران هرمزگان، قم، دارالتفسیر.
-، (۱۳۹۸)، خلیج بوی تو می‌دهد، قم، دارالتفسیر.
- صفا، ذبیح‌ا...، (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران. تهران، انتشارات فردوسی.
- قزوه، علیرضا، (۱۳۸۸)، مجموعه شعر، تهران، انتشارات سوره‌ی مهر.



- قزوینی، واعظ، (۱۳۵۹)، دیوان، دکتر سید حسن سادات ناصری، تهران، انتشارات علی اکبر علمی.
- گرمارودی، موسوی، (۱۳۶۳)، خطّ خون، چ ۱، تهران، انتشارات زوآر.
- وحشی بافقی، (۱۳۸۰)، دیوان، دکتر حسین آذران، چ ۷، تهران، انتشارات امیر کبیر.

ب- مجلات و سایت‌ها

- افاضل، راضیه، (۱۳۸۸)، بررسی شعر هرمزگان، فصل‌نامه اورمزد، شماره ۱۲ صص ۳۲-۵۰
- آموخته نژاد، علی kanoonehonar.com
- ضمیری، جواد kanoonehonar.com